

کنیم که انتخاب کنندگان حتماً بیست سال داشته باشند
 يك عده اشخاصيكه حقیقتاً صلاحیت دارند در انتخابات دخالت کنند از این حق محروم می مانند . از لحاظ شرعی هم شانزده سال را موقع بلوغ قرار داده اند

بکنفر از نمایندگان - پانزده سال یا سالی - مقصود از شانزده سال این بود که پانزده سال را تمام کرده باشد و داخل در شانزده شده باشد علی ای حال بعقیده بنده هیجده سال برای انتخاب کنندگان بیست و این میزانی که اینجا معین شده است که انتخاب کنندگان حتماً باید بیست سال داشته باشند .

بعقیده بنده زائد است و البته اگر آقایان هم باین عقیده موافق باشند . کیسیون برای شور تانی این قسمت را اصلاح میکنند و بنده هم پیشنهادی در این موضوع کرده ام .

سوم از شرائطیکه در این ماده برای انتخاب کنندگان مینویسد این است که در حوزة انتخابیه متوطن یا لا اقل شش ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند . بنظر بنده کلمه متوطن اینجا بمعنی خودش نیست .

زیرا توطن یعنی اختیار کردن معلى را بوطن خود .

مثلاً بنده خیال کردم بروم عراق آنجا بمانم یعنی آنجا را بوطنیت انتخاب کردم ام توطن معنی این است و این کلمه بودن شخص انتخاب کننده را در محل میرساند . مثلاً اگر آقای ندین یکروز در تبریز چند تشریف ببرند نمیشود گفت در آنجا متوطن شده اند در صورتیکه وطن اصلیشان آنجا است و بعقیده من اگر بجای کلمه متوطن کلمه ساکن نوشته شود بهتر مقصود را میرساند یا يك لغت دیگری که بهتر از لغت متوطن باشد . آقایان پیش نهاد بفرمایند .

يك مسئله دیگر اینست که مینویسد لا اقل باید ششماه در آنجا ساکن باشد بعقیده بنده این ششماه هم زیاد است زیرا فرضاً بکنفر قومی میتواند برود عراق موقع انتخابات هم است و در قزم انتخابات اعلان شده است و در موقعی هم که اعلان انتخابات منتشر شده است

آن قومی در قزم بوده است ولی وقتی که شروع کرده اند در قزم نبوده است و رفته است عراق و در عراق هم در همان موقع مشغول انتخابات هستند این ضرر ندارد که در عراق در امر انتخابات شرکت کنند اگر بنا باشد شرکت نکنند در انتخابات حتماً عقیدت کنیم که باید ششماه در آنجا بوده باشد و از آن حق خودش محروم کرده ایم ولی البته يك مدتی هم برای استحضار

اواز جریان امور آن مصل لازم است بعقیده بنده یکماه کافیت و بنظر بنده ششماه خیلی زیاد است
 یکی دیگر از شرائط ثبوتیه که قیلام عرض کرده ام باید قید شود یا جز شرائط سلبیه قرار بدهند اینست که در اینجا نوشته شده: انتخاب کنندگان باید سواد داشته باشند .

یا در ماده نهم نوشته شود : اشخاص بی سواد از حق انتخاب کردن محرومند و دلائلی هم قبلاً عرض کرده ام

زیرا انتخابات بر علیه خود آنها تمام میشود آقای تدین فرمودند اگر این کار را بکنیم تصدیق کرده ایم که حکومت یا اقلیت است بعقیده بنده باین ترتیب هم حکومت با اقلیت است برای اینکه صفوف را ما خوب تشخیص میدهیم .

صفوفی که مبارزه میکند در انتخابات هجارت از اشخاص با سواد و متنفذی هستند که نفوذ خودشان را بطور غیر مشروع اعمال میکنند و عده اینها خیلی کم است شاید در هر محلی دویا سه یا پنج نفر باشد و در مقابل آنها يك عده اشخاص دیگری هستند که فرضاً باندازه اسم نوشتن سواد دارند و عده اینها شاید هزار یا دوهزار نفر باشد آنوقت يك صف دوهزار نفری است و يك صف سه چهار نفری و اگر ما حق بدهیم که بی سوادها حق انتخاب کردن داشته باشند عملاً اینها پشت سر آن صف سه نفری می ایستند زیرا این اشخاص نفوذ دارند و البته نفوذ متنفذ در يك عده اشخاص نافذ .

می شود و محل نفوذ این اشخاص همان بی سوادها هستند .

حالا میخواهم عرض کنم بچه ترتیب هائی اعمال نفوذ میکنند .

علی ای حال اگر ما در این مبارزه حق بدهیم با اشخاص بی سواد که آنها هم در امر انتخابات شرکت کنند کمک کرده ایم بآن چند نفر متنفذ زیرا آنها فوراً آن اشخاص بی سواد را بسوی خودشان جلب میکنند و در حقیقت حکومت باین ۳ نفر می شود

بنده بموجب اطلاعاتی که دارم شاید اغلب آقایان هم بدانند در ولایات حکومت در دست نفرت است و در حقیقت بکنفر است که وکیل انتخاب میکند

در قزم انداز دارد .

ما هم نباید در قزم قانون بنویسیم . اگر بخوایم رعایت اقلیت را اکثریت را بکنیم بعقیده بنده باز بهتر است که این حق انتخاب کردن را فقط با سوادها بدهیم والا اگر بنا باشد بی سوادها هم حق انتخاب کردن داشته باشند انتخاب بضرر آنها تمام می شود و اشخاص با سواد چون بصیرتر هستند کمتر در آنها اعمال نفوذ می شود

آنها برای انتخاب کردن اصلح هستند البته همه ما تصدیق داریم که انتخابات يك حق عمومی است ولی بيك دلائلی يك استثنائیهایی درش قائل میشویم مثلاً میگوئیم اشخاصيكه فرضاً نشان بهجده سال رسیده حق انتخاب کردن ندارند و در حقیقت بيك جهائی این حق عمومی را از آنها سلب کرده ایم .

برای اینکه آنها تمیز نیستند و تشخیص نمیدهند و نمی فهمند حکومت ملی یعنی چه نمیدانند پارلمان چه معنی دارد .

بلی در صورتیکه همه ما تصدیق داریم که انتخابات يك حق عمومی است ولی گفته ایم اطفال حق شرکت در این حق عمومی را ندارند .

باز می گوئیم انتخابات يك حق عمومی است ولی نساء را از شرکت در این حق عمومی محروم کرده ایم حالا ببینیم آیا موجبات شرعی دارد که زن نباید در امر انتخابات دخالت کند؟

بعقیده بنده موجبات شرعی ندارد بلی نمیتواند وکیل شود ولی حق انتخاب کردن دارد زیرا آنها هم در امور معاش و غیره يك استقلال دارند و مطابق قانون اساسی وضع پارلمان و وضع قوانین که روی امور معاش است .

پس ما چرا زنها را مستثنی کرده ایم؟ برای اینکه آنها مستضعفند و وضع زندگانشان طوری است که نمیشود در این مملکت حق شرکت در انتخابات را بآنها داد .

پس در صورتیکه ما مستفیدیم که انتخابات يك حق عمومی است نصف اشخاص را که حق انتخاب کردن دارند بجهائی مستثنی کرده ایم و نباید هم بآنها حق بدهیم .

پس بعقیده بنده اشخاص بی سواد هم باید استثناء بشوند .

يك مسئله مسلم دیگر که در قانون سابق هم بوده و تغییر می نکرده اینست که ما میگوئیم باید انتخابات مغفلی باشد آیا باین طرز انتخابات یعنی با شرکت بی سوادها در امر انتخابات انتخابات مغفلی جریان پیدا می کند؟

بعقیده بنده خیر زیرا در موقع انتخابات چاکم می داند که آن شخص بی سواد که در ورقه اش نوشته است . انجمن نظار هم می داند . خود آن کاندید هم میدانند دستور دهنده هم می داند .

فقط خود باید بخش نمی داند که در ورقه اش چه نوشته شده آیا باین ترتیب انتخابات مغفلی است .

شیروانی - برای خودش مغفلی است .

یاسائی - البته آقایان که با نظریه بنده مخالفت میکنند عقیدشان این است که ما يك قدمهای تند و سریعی برداریم

گذشته بنام دموکراسی برداشته ایم و این حق را عمومی کرده ایم و اگر حالا بخوایم بی سوادها را مستثنی کنیم این يك سیر فقرا نیست یکی از رفقا بمن می گفت تو مرتجع شده ؟ اگر از تجاع معنی این است که بنده افتخار میکنم زیرا بنده دفاع میکنم از حق از حق آن بیچاره ها و ضعیفان توده که این قسم انتخابات بضررشان تمام میشود و بنده قطع و یقین دارم که اگر بی سوادها دخالت نکنند قطعاً نفع آنها تمام میشود زیرا اگر آنها دخالت نکنند غمخوار های آنها موفق و فاتح میشوند ولی اگر دخالت کنند آنها موفق نمیشوند .

یکی از اشخاصيكه طرفدار عقیده بنده می باشد آقای تقی زاده هستند که در اول شاید خیلی کوشش کرده اند انتخابات حتماً عمومی باشد و البته نمی توانیم بگوئیم آقای تقی زاده مرتجعند .

ایشان در آزادی طلبی خیلی تندرو می باشند و همه ما افکار اجتماعی ایشان را ستایش میکنیم بلکه همه دنیا ایشان را میشناسند .

ایشان هم طرفدار این عقیده هستند چرا؟ برای اینکه نمیخواهند بدروغ ادامه دهند .

نمیخواهند بيك و ضعیف نامطوبی که علیه توده و دهاقین تمام میشود ادامه دهند .

پس اگر ما بیکدم فقرائی برداریم و بر گردیم بهتر است بنده خود عرض میکنم مسلکاً خیلی تندرو هستم ولی در این قسمت عرض میکنم بنده قلمت کردم نفهمیدم زیرا این ترتیب بضرر توده کسانی تمام میشود که نفع آنها حرف میزنیم حکار میکنیم قدم میزنیم احساسات بخرج میدهیم .

اینست عقیده بنده پیشنهادی هم نوشته ام که تقدیم مینمایم دیگر بسته بنظر آقایان است .

حائز زاده مخبر کمیسیون -

چون شور اول است بهتر اینست آقایان پیشنهاد های کتبی مرحمت کنند که در کمیسیون درش مذاکره شود .

بدیهی است نظریات مختلف است . یکی از آقایان معتقد است در اول ساله ای بدهد و یکی میگوید بیست ساله ای بدهد .

یکی دیگر معتقد است بیشتر از بیست سال باشد .

یکی میگوید با سوادها رای بدهند . یکی میگوید بی سوادها هم حق شرکت داشته باشند .

خوب است این نظریات را آقایان پیشنهاد کنند که در کمیسیون در آنها مذاکره شده و برای شور اول توضیح مفصلی بدهند که این قانون هم زودتر در مجلس بگذرد .

پیشنهاد مینمایم که قسمت شش از ماده یازده به ترتیب ذیل اصلاح شود (د) در محل انتخاب معروفیت نامه داشته باشند .
 پیشنهاد آقای سلطان العلماء مقام منبع ریاست جلیله - پیشنهاد میکنم .
 تبصره ذیل بعد از شرط چهارم از ماده یازدهم اضافه شود .
 اشخاصی که تصدیقنامه مدارس عالی را دارا هستند سن بیست و پنجسال کافی است .

پیشنهاد آقای روحی - بنده پیشنهاد میکنم که قسمت سوم از ماده یازده باین قسم نوشته شود لاقلاً تحصیلات مدرسه متوسطه را با تمام رسانده باشد .
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده وهدل - الملك - بنده در ماده یازده پیشنهاد میکنم در قسمت ۴ نوشته شود سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد نباشد مگر دیلمه های مدارس عالی که در بیست و پنجسالگی میتوانند انتخاب شوند .

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان خوئی و آقای اقبال الممالک - بنده پیشنهاد میکنم فقره شش از ماده یازده باین ترتیب نوشته شود .
 ۶- در حوزه انتخابیه متوطن بالاقلاً ششماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشد .

پیشنهاد آقای دولت آبادی در ماده یازدهم حقیر پیشنهاد میکنم در شرایط انتخاب شوندگان اضافه شود که منتخب باید معتمد با استعمال افیون نبوده باشد .
 پیشنهاد آقای شیروانی - پیشنهاد میکنم قسمت چهارم ماده یازدهم بطریق ذیل اصلاح شود .

۴- سن ایشان کمتر از بیست و پنج و زیاد تر از هفتاد نباشد
 پیشنهاد آقای اخگر - بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه متنوعه در فراز (مکره اهل دیانت از ملل متنوعه مسیحی- زردشتی- کلیسی) در قسمت دوم ماده ۱۱ کلمه ثلاثه نوشته شود

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ ضمیمه شود اجزاء بلدیة
 پیشنهاد آقای ضیاءالواعظین پیشنهاد مینمایم که قسمت چهار از ماده به ترتیب ذیل اصلاح شود ۴ سن آنها کمتر از ۲۰ سال و زیاد از هفتاد و پنج نباشد
 پیشنهاد آقای شیخ العرفین زاده - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ بطریق ذیل تنظیم شود - ماده ۱۱ انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند

۱- متدین بدین اسلام باشند
 مکر ابرانیان زردشتی مسیحی کلیسی مذهب
 ۲- خط و سواد فارسی داشته باشند
 ۳- سن ایشان کمتر از ۲۰ و زیاد از

۷۰ سال نباشد
 ۴- در محل انتخاب معروف باشد
 پیشنهاد آقای یاسائی - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی -
 بنده پیشنهاد میکنم فقره ۷ ضمیمه ماده ۱۱ شود فقره ۷ لاقلاً ششماه قبل از موقع انتخاب در حوزه انتخابیه ساکن باشد
 ابضاً پیشنهاد آقای یاسائی -
 مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم فقره چهارم اینطور اصلاح شود
 ۴- سن ایشان کمتر از ۲۰ و زیاد از هفتاد سال نباشد
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که قسمت ششم از ماده ۱۱ (در محل انتخاب معروف باشند) حذف شود
 پیشنهاد آقای سردار عشار - بنده در ماده ۱۱ در قسمت شش راجع به معروفیت مهلی کافی نمیدانم کمالاً معروفیت عموم محل را داشته باشد و مدتی اقل دو سال در آن محل متوقف بوده باشد
 پیشنهاد آقای تدین مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی -

پیشنهاد میکنم که جزو چهارم از ماده ۱۱ بطریق ذیل مقرر شود
 جزو (۴) سن ایشان کمتر از سی و زیاد از هفتاد سال نباشد باستثنای اشخاص فارغالتحصیل از مدارس عالی که در سن ۲۰ سالگی میتوانند انتخاب شوند
 پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بنده پیشنهاد میکنم قسمت ششم از ماده یازده اینطور نوشته شود اقل سه سال در محل انتخاب ساکن بوده باشد
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم قسمت ۶ از ماده یازده بطریق ذیل نوشته شود

۶- در هر کدام از نقاطیکه حوزه های انتخابیه تشکیل میشود لاقلاً یکسال توقف داشته باشد
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم فقره ۳ از ماده یازده اینطور اصلاح شود
 ۳- اقل صاحب تصدیقنامه مدارس ابتدائی بوده یا لاقلاً معلومات کلاس ششم ابتدائی را دارا باشد
 پیشنهاد آقای تقی زاده پیشنهاد میکنم شرط اول اینطور نوشته شود خود و دو پیش او تبعه ایران بوده باشد
 پیشنهاد آقای شیروانی - بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده یازده اینطور اصلاح شود

۱- ذکور تبعه ایران باشد و قسمت اول ماده دوازده حذف شود
 پیشنهاد آقای سلطان العلماء مقام منبع ریاست جلیله پیشنهاد میکنم که شرط ششم از ماده ۱۱ باین طریق اصلاح شود ۶ اهل

محل باشند یا اقل دو سال در محل انتخاب توقف کرده باشد
 پیشنهاد آقای آقا سید محیی الدین و آقا سید یعقوب -
 بنده پیشنهاد میکنم که منتخب یا از اهل محل باشد یا اینکه در حوزه انتخابیه قبل از انتخاب دو سال متوقف باشد
 پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ جمله ۶ چنین نوشته شود قبل از اعلان انتخاب لاقلاً ششماه در محل انتخابیه مقیم یا یکسال سابقه اقامت داشته باشد - و جمله ۳- دارای تصدیقنامه از مدارس متوسطه یا از مدارس علوم دینیه

نایب رئیس - پیشنهادی راجع به ختم جلسه رسیده است
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 نایب رئیس - چون فردا روز عید است و باید از طرف مجلس چند نفر برای شرفیابیی حضور و الاحضرت معین شوند لذا شش نفر بقرعه معین میشوند
 آقا سید یعقوب - بنده در این مسئله مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - تا حالا در دوره سوم و چهارم و همچنین در دوره پنجم عید حضرت زهرا عید رسمی نبوده است که نماینده از طرف مجلس می رود اینست که بنده مخالفم
 نایب رئیس - چون قبل از در همین مجلس انتخاب شده است و شرفیاب هم میشده اند و سابقه هم دارد این است که هم انتخاب میشود .

(استقراع بعمل آمده به ترتیب ذیل معین شدند)
 آقای صدر الاسلام - آقای تقی زاده - آقای معتمد السلطنه - آقای حاج میرزا اسدالله خان)
 نایب رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان جزء هیئت رئیسه هستند (مجدداً استقراع شده آقایان مفاصله ذیل معین شدند)
 آقای وکیل الملك - آقای نصرت الدوله آقای امیر اشرف
 نایب رئیس - پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب کرده اند قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم رایورت انتخاب آقای مساوات مطرح شود .

نایب رئیس - مخالفی نیست؟
 (گفتند - خیر)
 (رایورت مزبور بمضمون آتی خوانده شد)
 شعبه سوم در جلسات هدیده دوسه انتخابات ساوجبلاغ مگری را در تحت دقت و مطالعه قرارداد طرز جریان انتخاب این حوزه بقراردیل است؟

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم صد)
 نایب رئیس مجلس شورای ملی سهام السلطان منشی علمی اقبال الممالک منشی معظم السلطان

در تاریخ دوشنبه قره جمادی الاولی ۱۳۴۲ انجمن نظار تشکیل و در تاریخ دوم جمادی الاولی شروع بکار نموده اند .
 اعضاء چهار حوزه فرعی ایام اخذ تعرفه و استرداد آرا را مطابق قانون تبیین و اعلان کردند . در ۲۶ جمادی الاولی اخذ آراء تمام شده و جبهه ها را مهر کرده و در ۲۷ شروع بقرائت نمودند
 نظر باینکه راجع بصندوق بوکان شکایاتی از طرف مردم واصل شده بوده و انجمن نیز عقیده بتجدید انتخاب آنقسمت پیدا کرده مراتب بوزارت داخله اطلاع و بتلگراف مساعدی که از وزارت داخله در این موضوع رسیده بود
 انجمن مجددی در بوکان تشکیل و تجدید انتخاب در آن حوزه بعمل آمده از مقدار ۱۴۳۲ رأی مستخرجه پنج قسمت این حوزه کسانیکه دارای اکثریت بوده اند بقراردیل است . .

آقای رئیس الوزراء ۴۰ رأی .
 آقای آقا میرزا محمد رضامساوات ۲۰۰ رأی و چون آقای رئیس الوزراء از قبول و کالت این حوزه امتناع جسته اند آقای مساوات حائز اکثریت و شنبه ۳ نمایندگان ایشان را با اکثریت تصویب و رایورت آنرا تقدیم مجلس شورای ملی میدارد
 نایب رئیس - آقای مفتی (اجازه)

صدر العلماء مفتی - بنده مخالفم -
 نایب رئیس - میماند برای جلسه بعد
 آقای طهرانی (اجازه)
 طهرانی - بنده متأسفم که قانون انتخابات در این دوره آمد بمجلس و تا آخر دوره هم نخواهد گذشت و با اینکه ما باید در این دوره یک کارهای اساسی کرده باشیم هنوز قانون استخدام معلمین را در مجلس نیاورده اند و معلمین بدبخت علاوه بر اینکه مشمول قانون استخدام نیستند از یک جا حقوق آنها را بعنوان تقاضا کسر میکنند و از یک جا میگویند شما را باید اکثریت کنیم

از این جهت استعدا میکنم برای جلسات بعد قانون استخدام معلمین جزو دستور شود
 نایب رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه بعد روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم مالیات تصاعدی و چون عده برای رأی گرفتن کافی نیست در جلسه آتی در پیشنهاد آقای طهرانی رأی گرفته میشود

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم صد)
 نایب رئیس مجلس شورای ملی سهام السلطان منشی علمی اقبال الممالک منشی معظم السلطان